

افلو طون گرایی با زبان هنر

محقق: علی فرجامی
استاد راهنما: دکتر مجید علیزاده



هدف: با در نظر گرفتن هنر به مثابه یک زبان قصد داریم نظریه ای با رویکرد های زیباییشناسی و روانشناسی رشد در مورد علت و سبب پیدایش نظریات و مکتب های فلسفی ای که آنها را افلاطون گرا و یا ضد افلاطون گرا می نامند را به وجود آوریم.



یک نگاه ممکن به هنر نگاه تحلیلی است. در این نگاه ما هنر را به عنوان یک زبان در نظر می گیریم زبان به عنوان یک نظام بنیادین. درست همانطور که برخی کلمات یا عبارت در یک زبان به مثابه گزاره ها عمل می کنند، تصاویر نیز در یک نظام نمادین تصویری، آن چیزی را بازنمایی می کنند که به عنوان دارنده ی خصوصیات بر آنها دلالت می-کنند. این نگاهی است که ما به مسئله ی بازنمایی داریم و ضمن دفاع از این دیدگاه به نقد نظریات دیگری مانند مشابهت، تقلید، پرسپکتیو و..... که سعی در تبیین بازنمایی دارند می پردازیم .

مشابهت

"الف باز نمود ب است اگر تنها اگر الف تا حد قابل توجهی شبیه ب باشد."

آیا مشابهت شرط کافی برای باز نمایی است؟

مشابهت رابطه ای انعکاسی است. معنای این سخن این است که اگر الف به الف مربوط باشد (یعنی اگر الف به شیوه ای به خودش مربوط باشد) در آن صورت الف به الف (خودش) مربوط است. مشابهت از این جهت مانند تساوی ریاضی است (اگر $1=1$, آنگاه $1=1$) ولی باز نمایی رابطه ای انعکاسی نیست.



تقلید

به گفته ی افلاطون، جوهره ی نمایش محاکات (تقلید از ظواهر بیرونی) بود.

گودمن این نظریه را حکمی ساده انگارانه می داند و در فرمول "شی آنگونه که هست" تردید می کند. ابژه مورد نظر که قرار است تصور شود می-تواند یک انسان باشد، مجموعه ای از اتم ها وسلول ها، یک آدم حقه باز، یک دوست و؛ تصویرکردن هر کدام از این موارد (در صورت امکان) ما را به مقصود نمی رساند؛ زیرا هیچ کدام از اینها به تنهایی، فرد، "آنگونه که هست" نیست و از طرف دیگر تمام این ویژگی ها را فوراً و با هم نمی توان تقلید کرد.

پرسپکتیو

پرسپکتیو از روش هایی است که هنرمند برای بازنمایی دقیق مکان از آن استفاده می کند و عموماً به روشهایی اطلاق می شود که نقاشان برای نمایش فضای سه بعدی بر سطوح مستوی استفاده می کنند

((در حالیکه تصویر کیلیسای جامع از روبه رو و در فاصله ای شش پایی دیده می شود؛ بنای کلیسای جامع باید از زاویه ی 45 واز فاصله ی دو هزار پایی دیده شود))

به اعتقاد او با توجه به اینکه تجربیات بصری گذشته، در آنچه می بینیم تفاوت قابل توجهی ایجاد می کنند، به هر حال تصاویر در پرسپکتیو مانند هر جریان دیگری باید خوانده شوند و توانایی این خوانش باید به دست آید. چشمی که صرفاً به نقاشی شرقی مانوس باشد، فوراً تصویر غربی را نمی فهمد؛



ابداع و ابتکار

بنابر آنچه گذشت به نظر گودمن، باز نمود بیش از اینکه امری تقلیدی باشد، به مثابه گزارشگری فعال، اشیاء را توصیف و طبقه بندی می کند. از نظر او طبقه بندی ها انواع مختلفی دارند و به هیچ وجه حائز ارزش های یکسانی نخواهند بود. اشیاء تحت برجسب های مختلف طبقه بندی میشوند و بدین ترتیب برجسب ها از یک طرف با اشیاء در ارتباط هستند و از آنجا که با برجسب های دیگر در ارتباطند با اشیاء وابسته به آنها نیز در ارتباطند و البته این ارتباط ها به یک نسبت ارزشگزاری نمی شوند؛ بلکه بسته به نوع طبقه بندی ها و تمام عواملی که در سازماندهی شرکت میکنند تا در نهایت ما باز نمودی از شی داشته باشیم متغیرند. بنابر این شی، حاضر آماده نیست؛ بلکه به هم راه ویژگی های حاصل این سازماندهی است گودمن معتقد است باز نمود، بنابر موقعیتش، میان طبقات و برجسب های مختلف ارتباط ایجاد می کند اشیاء را تجزیه و تحلیل می کند و جهان را می سازد.


تجسم و توصیف

((حقیقت ساده این است که "یک تصویر" برای اینکه باز نمود چیزی محسوب شود باید "نماد" آن باشد؛ یعنی مبتنی بر آن وارجاع دهنده به آن. باز نمایی تصویری در بردارنده ی "دلالت" و "حمل" در یک نظام نمادین است. درست همانطور که برخی کلمات یا عبارات در یک زبان به مثابه گزاره ها عمل می کنند، تصاویر نیز در یک نظام نمادین تصویری ان چیزی را باز نمایی می کنند که به عنوان خصوصیات بر انها دلالت می کنند. در واقع دلالت هسته باز نمود است. بنابراین ما باید ویژگی باز نمود را به عنوان نوعی دلالت مندی نمادین منظور کنیم.))



روانشناسی رشد

مرحله ی پیش عملیاتی از دو سالگی تا هفت سالگی را در بر می گیرد.
کودک بر نماد ها تسلط می یابد و زمینه های تازه ای برای اکتشاف و تجربه
به دست می آورد. او بر نماد ها تسلط می یابد و راه را برای دخل و
تصرف ذهنی در نمادها و اشیاء باز می کند. توانایی تمرکز زدایی (فکر
کردن به چندین خصوصیت در یک آن)، و درک و نگهداری ذهنی، به
تدریج ایجاد می شود اما مدت زمان تمرکز و توجه کودک کوتاه است. او
خود را مرکز کلیه ی فعالیتها می بیند.



در اکتساب زبان خود مدار است؛ یعنی لغات، برای هر کودکی معنای خاص خود را دارد و از این رو، باعث محدودیت توانایی او در به حساب آوردن دیدگاه دیگران میشود؛ تنها درباره ی خود سخن می گوید و اغلب حتی اهمیت نمی دهد که آیا کسی به او گوش می دهد یا نه.

گاه دروغگویی خردسالان را می توان در نیروی تخیل آنان جست و جو کرد. در این خصوص ، تمایل و توجه کودک ، نسبت به امری موجب می شود تا مطلبی را بیان کند که واقعیت ندارد. برای آنها مرزی بین خواب و بیداری وجود ندارد و احتمالاً آنچه در خواب دیده اند با بیداری اشتباه می گیرند. در این مرحله به ((جان گرایی)) معتقدند و می پندارند که اشیاء بی جان زنده اند، بدین جهت از شنیدن داستان هایی که در آنها اشیاء فکر می کنند و سخن می گویند و همچنین افسانه هایی که در آنها به حیوانات، خصایص زندگی انسانی نسبت داده می شود، لذت می برند و عبرت می گیرند.

1/5 تا 3 سگی



2/5 تا 6 سبگی





وساگی



زبان محصول یادگیری یا محصول توارث؟

آیا زبان محصول فرآیند یادگیری است یا به آمادگی قبلی توارثی بستگی دارد؟ سوالاتی از این قبیل به تضاد دیرین بین توارث و محیط کمک می کند. طرفداران نظریه ی یادگیری، که به عقیده ی آنها ساخت های ذهنی آموخته می شود، و طرفداران توارث، که به ارثی بودن این ساختها معتقدند، با تمام قدرت و تعصب با یکدیگر مخالفت می کنند. ردیدگاه توارث گرایانه به زبان قائل هستیم.

نظریه ی یادگیری: توجه کنید، دیگران برای شما حرف می زنند
برخی معتقدند که یادگیری زبان نیز مثل یادگیری سایر رفتارهاست؛ یعنی بر
اثر تقویت انجام می گیرد.

نظریه ی ذاتی بودن زبان: ژنهای شما ، با شما حرف می زنند
برخی پژوهشگران ، مثل چامسکی، لی نی برگ، وایماس بیش از آنچه به
مطالعه ی نقش یادگیری در زبان بپردازند، بر سهم زیستی انسان در بافت
تأکید دارند. به نظر آنها، نوزاد ساختهای ادراک و فهم زبان را
داراست، همانطور که با تار های صوتی و با مغزی حاوی مراکز زبان
متولد می شود. توارث گرایان معتقدند که انسان، برای استفاده از زبان، به
خاطر ساخت مغزی خود ، آمادگی قبلی دارد و به نحوی ((برنامه ریزی
شده است)). رفتار زبانی انسان ، به وسیله ی ژنها ((مستقر شده)) و تنها
منتظر تحریک مناسب از محیط است

واقع گرایی

((اگر باز نمود امری قرار دادی است پس رئالیسم تا حد قابل توجهی نتیجه عادت است))

سپس او نگرش های دیگر باز نمود را تحت دیدگاه ایجابی خود تعریف می کند که مطابق آن تصویری که شبیه طبیعت به نظر می رسد اغلب تنها به این معنی است که آن تصویر، یکی از روش هایی است که معمولاً طبیعت به آن روش تصویر می شود و آنچه که در تصویر فریبنده است به آگاهی پیش پنداشته های مخاطب مربوط است و دانسته ها و پنداشته ها بر آنچه می بینیم تأثیر گذارند. شباهت و ایجاد وهم منابع خدشه ناپذیر و مستقلاً نیستند و معیار عمل باز نمود تا حد قابل توجهی نتیجه عادت است











جمع بندی: در هر کدام از این نقاشی ها کودک تعداد زیادی شکل به کار برده است که هر کدام برای او نماد یک چیز هستند. و با توجه به کار های پیاژه این نماد گرایی ریشه در رشد کودک دارد با توجه به این امر اگر بخواهیم با توجه به زبانهای هنر کودکان به تفسیر تصویر سازی های کودکان بپردازیم متوجه نوعی واقع گرایی می شویم که در این نظام نماد ها باز نمایی هایی از اشکال واقعی هستند مثلاً یک دایره می تواند برای او نماد اشیاء مختلف باشد. این نوع تفکر و این نوع نماد گرایی را ما علت اصلی و انگیزه ای جدی برای به وجود آمدن تفکراتی که افلاطون گرا می نامیم یا بهتر بگوییم تفکراتی که در آنها دیدی مثل گرایا نه حکم فرماست. توجه کنید که این نوع واقع گرایی را ما به عنوان اساس این انگیزه بیان می کنیم.